



ضمایر [او]

«خسارت فرهنگی»

با چشم دیده نمی‌شود

محمد معتمدی، خواننده موسیقی ایرانی از سازوکار مدیریتی حاکم پرموسیقی ایران انتقاد کرد
محمد معتمدی که این سال‌ها متفاوت‌تر از همیشه ظاهرشده در یک گفت‌وگوی مفصل با مهر به نکات متعددی درباره موسیقی کشور اشاره کرده و بخشی از این گفت‌وگو به نظرات معتمدی درباره نفوذ موسیقی بی‌هویت و غیرفرهنگی در گوش شنیداری مخاطبان ایرانی به‌ویژه نسل نوجوان و جوان، نقش هنرمندان در این حوزه‌های فرهنگی و مرزبندی‌های میان خلاقیت و نوآوری در حوزه موسیقی ایرانی اختصاص داشت.

این خواننده که این روزها حضورش درصحنه کارکردهای اجتماعی هم دارد، ضمن اشاره به این‌که همواره تلاش کرده مواضع تندی نداشته باشد اما گاهی شرایط اجاب کرده توجه بیشتری بطلبد، توضیح داد: خسارت‌های فیزیکی مانند بمباران، سیل، زلزله، آتش‌سوزی و مسائلی ازاین‌دست داریم که شما به‌عنوان یک شهروند آنها با ر چشم می‌بینید. اما قطعا خسارت فرهنگی را با چشم نمی‌توان دید و همه‌کسی هم این قدرت را ندارد که تشخیص بدهد این خسارت فرهنگی یعنی چه و اساسا چه اتفاق بدی در حال افتادن است؟ به‌رحال بسیاری از ما متوجه شدیم این خسارت فرهنگی اتفاق افتاده و نمود خود را هم در روابط خانوادگی، روابط فرهنگی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم و اعتقادات نشان داده است. شرایطی که چه بنده و چه بسیاری از بزرگان عرصه فرهنگ و هنر اینها را بارها گوش‌زد کردند اما متأسفانه گوش شنوایی نبود.

او این نکته را اضافه کرده که اگر تدبیر جدی‌تری در این زمینه اتخاذ نشود، قطعا دچار آسیب‌های زیاد و به‌ویژه در حوزه موسیقی خواهیم شد، چراکه موسیقی حوزه تأثیرگذاری می‌تواند باشد. معتمدی گفته، همیشه بر این باور بوده و هشتم که آدم‌ها و افراد یک جامعه شبیه موسیقی‌ای می‌شوند که مشغول گوش دادن فرهنگ آن موسیقی هستند.

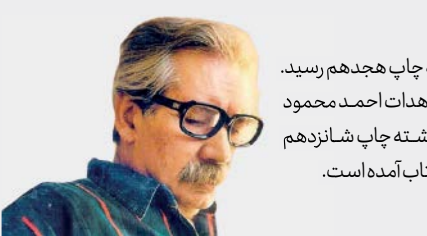
معتمدی در پاسخ به این سؤال که مقصر اصلی رویکرد شنیداری مردم و ابتدالی که در فضای مجازی شنیده می‌شود، چه افراد یا چه مجموعه‌هایی هستند، توضیح داده است: به اعتقاد من در این شرایط سه ضلع هنرمندان، حاکمیت و مردم مقصر هستند. البته ممکن است باوری هم در جامعه ما وجود داشته باشد که همه تقصیرها را به گردن حاکمیت ببندایم که به اعتقاد من فرار از مسؤولیت است، زیرا من محمد معتمدی هم به‌عنوان یک فرد در جامعه و هم یک هنرمند در آنچه به‌عنوان یک وظیفه فرهنگی و شهروندی به‌عهده داشتم، خطا و کوتاهی کردم که می‌تواند از جهات مختلفی مورد بررسی قرار گیرد.

معتمد کوتاهی نقش حاکمیت در انجام وظایف فرهنگی خود بیشتر از هنرمند و مردم جامعه نمود پیدا کرده و تأثیرات بیشتری هم دارد. در این راه اگر ما به‌عنوان هنرمند هم بخواهیم نقش سازنده‌ای ایفاکنیم، «زمین بازی» نداریم. وقتی من به‌عنوان یک خواننده‌ای که بیشتر از ۲۰ سال است در حوزه موسیقی فعالیت می‌کند اما محلی مستقل برای عرضه درست آثارش و تقدیم آن به مردم ندار، پس چطور می‌توانم به شیوه‌ای صحیح و منطقی به اشاعه فرهنگ شنیدن موسیقی خوب به مردم عمل کنم؟



کتاب‌های شهید ملکوتی در کتابخانه ملی

کتابخانه شخصی شهید غلامرضا ملکوتی شامل ۵۷۸ نسخه کتاب به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اهدا شد. مهر به نقل از فرناز محمدی، معاون اداره کل فراهم‌آوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی از اهدای مجموعه کتابخانه شهید غلامرضا ملکوتی به این سازمان خبر داد و نوشت که این کتاب‌ها اغلب در زمینه تاریخ ایران و تفاسیر مختلف قرآن است. شهید ملکوتی در ۲۱ سالگی در منطقه عملیاتی سومار به شهادت رسید.

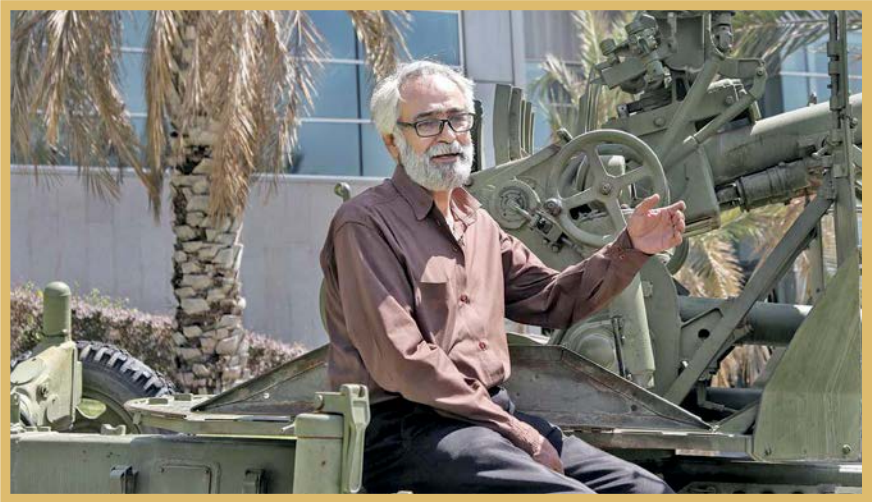


چاپ هجدهم رمان دفاع مقدس

رمان «زمین سوخته» نوشته احمد محمود به تازگی توسط انتشارات معین به چاپ هجدهم رسید.
مهر این را منتشر کرده و توضیح داده که این رمان حاصل تجربیات و مشاهدات احمد محمود از سال‌های ابتدایی دفاع مقدس و جنگ ایران و عراق است. تیرماه سال گذشته چاپ شانزدهم منتشر شد. اسفندماه به چاپ هفدهم رسید و حالا چاپ هجدهم آن به بازار کتاب آمده است.

محسن روزبهانی از همکاری نهادهای نظامی با سینما و نقاط قوت و ضعف آن می‌گوید

بروکراسی، ضامن ایمنی نیست



دلیل همین اکسپوزشان خیلی فرق دارد.

چقدر از همکاری نهادهای نظامی راضی هستید؟

ببینید شاید مشکلاتی باشد اما من چون خودم هم در شهرک سینمایی دفاع مقدس رفت‌وآمد دارم، می‌دانم که مشکلات آنها هم زیاد است؛ مثلاً سپاه باید از بالا حمایت کند که کار راه بیفتد. مسؤولان بالاتر هرقدر بیشتر کمک کنند بهتر است چون خود شهرک هم مشکلات زیادی دارد. مثلاً الان شهرک کلی ادوات و ماشین دارد که همه‌شان اسقاط شده‌اند. خب همه اینها باید جایگزین شوند. برای این جایگزین کردن هم نمی‌توانند از بیرون بودجه بگیرند و بالاخره باید به اینها از جایی بدهند. بنابراین یا سپاه باید از بالا ادوات را بدهد یا بودجه‌اش را لافال در اختیار شهرک بگذارند.

با جبران خلای جلوده‌های ویژه میدانی به کمک جلوده‌های ویژه‌بصری و دیجیتال چقدر موافقید؟

خیلی درست است. من خودم مدام با بچه‌های ویزوال همکاری می‌کنم چون یک جمایی واقعا انفجار خطرناک است یا زمان می‌برد یا به هر دلیل نمی‌شود و جز ویزوال راهی نیست. همین ادوات مثلاً ما ۷۰ تا تانک کیو الان نداریم که در صحنه بیاوریم، به همین دلیل مجبوریم چهار تا تانک بیاوریم و بقیه را ویزوال کار کنیم.

نتیجه‌اش رضایت‌بخش است؟

بستگی به زیرسازی کار هم دارد. مثلاً در تنگه ابوقریب واقعا نتیجه خیلی خوب شد. یعنی یک جاهایی را حتی خود من تشخیص نمی‌دادم ویزوال است. باید ترکیبی باشد. یعنی بالاخره انفجار را ما باید بزنیم و ویزوال بگذار داخل صحنه وگرنه بخواهند انفجار را خودشان بسازند، درست در نمی‌آید. نه اینجا بلکه هیچ جای دنیا هم از صفر ویزوال کار نمی‌کنند. چون خیلی انیمیشنی و کارتونی می‌شود و درست در نمی‌آید. بهترین فیلم خارجی هم به نظرم **مافی قری** دارد؛ **مشکل بودجه آثار تلویزیونی، جلوه‌ها را ضعیف می‌کند.** البته الان بودجه تلویزیونی‌ها واقعا کمتر از سینمایی‌ها نیست. خصوصاً نمایش خانگی که بودجه خوبی دارد. مشکل اینجاست که زیاد اهمیت نمی‌دهند. مشکل خود تهیه‌کننده و کارگردان هستند که کار را تلویزیونی می‌بینند و به آن اهمیت نمی‌دهند.

این که کمتر فیلم‌های جنگی دریایی یا هوایی ساخته می‌شود علتش ضعف جلوه‌هاست یا فیلمنامه و کارگردانی؟
نه مشکل فیلمنامه و کارگردانی است. خصوصاً دریایی کار هرکسی نیست و امکاناتش را هم نمی‌توانند بدهند. برای زمینی، تجهیزات و امکانات مثل توپ و تانک را می‌آوریم و انجام می‌شود اما برای دریایی نمی‌توانیم اینقدر مانور دهیم. به هر حال کارگردانی هم که پا پیش بگذارد و بخواهد انجام دهد، نداشته‌ایم. درمورد هوایی‌ها هم چند مورد داشته‌ایم که البته اکثراً درست از آب درنیامده‌اند. مثلاً سیمر غ، پروژه تلویزیونی بود و آن چیزی که باید دربیاید، در نیامد. من خودم مخالفم همیشه می‌گویم وقتی قرار است در مورد شهدایی در این جایگاه

نقش ارتش و سپاه در تدارک تجهیزات لازم برای جلوده‌های ویژه فیلم‌ها چیست؟

ما اغلب از تجهیزات نظامی استفاده می‌کنیم و بیشتر هم از سپاه می‌گیریم. البته بستگی به فیلمش دارد و این‌که چقدر وابسته به سپاه باشد یا ارتش یا نیروی انتظامی. وابسته به هر واحدی باشد از همان می‌گیریم. مجوز هم باید بگیریم که باز باید از همان واحد نظامی مربوط گرفته شود.

فرآیند این همکاری چطور است؟

البته مقداری سخت شده. به‌خصوص بعد از این جریان حادثه‌ای که برای جواد شریفی و تیمش پیش آمد، این دستگاه‌ها آمندند جلوی حوادث را بگیرند اما به جایش مسیر و کار را پیچیده کردند. بعضی بچه‌ها هم که وارد نبودند راه‌ها را اشتباه رفتند و این نامه‌یازی‌ها برای فیلم‌ها در دسر درست کرده. بالاخره این کار سینماست و اگر اتفاق کوچکی هم برای من بیفتد جایگزین فرد مناسب در این فرآیند کاغذبازی سه روز طول می‌کشد و هزینه زیادی به تولید تحمیل می‌شود. باید این مشکلات را نهادهای مربوط حل کنند. مثلاً اگر من سرما بخورم و نتوانم سر کار

بیایم باید نامه بزنند به ارشاد، ارشاد هم نامه بزند به انجمن دفاع مقدس و آنجا بزند برای حفاظت و... خب این بروکراسی خیلی لطمه می‌زند. می‌شود همه آنها یا نمایندگان‌شان را در شهرک سینمایی جمع کنند که این قدر این فرآیند طول نکشد.

خب چرا این کار نمی‌کنند؟

البته آن نهاده‌ها بالاخره سینمایی نیستند و دغدغه‌های سینما را نمی‌دانند. نمی‌دانند که هر یک ساعت و یک روز سر پروژه چقدر هزینه برمی‌دارد. مثلاً به ما می‌گویند شما معلوم کنید چند انفجار در کجای صحنه دارید. حالا من باید طرف را توجیه کنم که از قبل معلوم نیست؛ ا تا کارگردان سر صحنه دکوپاژ نکند معلوم نمی‌شود.

این ضعف البته به کارگردانی مربوط می‌شود. چرا از قبل دکوپاژ نمی‌کنند؟

کارگردان‌های ما نمی‌توانند. ۹۹/۵ درصد آنها بلد نیستند. تا نایند سر صحنه نمی‌دانند چه می‌خواهند. خیلی‌هایشان تا دوربین راهم نگارند نمی‌توانند بگویند چیست.

از این نظر کدام یک از کارگردان‌ها حرفه‌ای‌تر دیدید؟

آقای احمدرضا درویش. این را هم بگویم تنها کارگردانی را که من دیدم در جنگی‌کاری روی دستش نیست، درویش است.

سابقه حضورتان در جبهه چقدر به کار سینمایی‌تان کمک کرده‌است؟

خیلی. چون من شکل و قیافه آن انفجار رهایی را که می‌خواهم در سینما بزنم قبلاً واقعی آن را دیده‌ام. اگر دقت کنید شکل انفجارهایی که در فیلم‌هایم کار می‌کنم با بقیه کمی فرق دارد. این روی آموزش‌های دستیارانم هم تأثیر گذاشته و شبیه من انفجارها را می‌زنند.

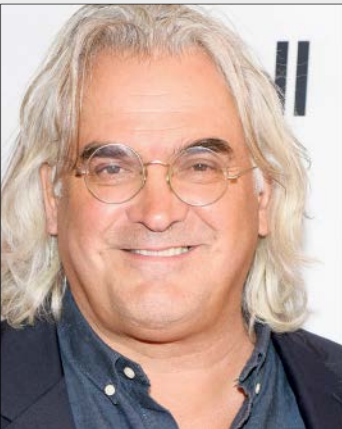
مثلاً چه فرقی دارد؟

مثلاً جزئیات و شکل بمبارانی که هواپیما می‌کند با انفجار خمپاره‌ها فرق دارد. حجم انفجار خمپاره‌ها خیلی کوچک‌تر است و حالت انفجار و نوع برتابه‌هایش به بیرون هم فرق می‌کند ولی متأسفانه این چیزها در فیلم‌ها رعایت نمی‌شود. مثلاً خیلی از فوکار استفاده می‌کنند و من به‌هیچ‌وجه برای انفجار آتش نمی‌زنم مگر این که ماشین یا چیزی شبیه آن

داين کشور به
ترآيد. داستان
اين پرسش
ر دستخوش
تاور. به گفته
فواهند ارتباط
نند، بايد صبر
د. البته افردی
اين موضوع را
گراس کسانی
کرده‌اند؛ زمانی
کمپ ديوييد
يونيويسال
مومی در بهار
جعبه‌پار تاريخی
داستان فيلم



گرينگراس ندارد. در سال ۱۹۷۸ در مکانی به نام کمپ ديوييد بين رؤسای دولت اسرائيل و مصر و با حضور رئيس جمهور وقت آمريکا به عنوان میانیجی مذاکرات صورت گرفت.



صلح دو کشور اسرائيل و مصر با اعتراضات زیادی در سراسر جهان روبه‌رو شد و مدتی بعد انورسادات، رئيس جمهور مصر در جریان یک مراسم دولتی ترور شد. / هاليوودريپورتر

رویداد [دنگ]

کتابخانه عشایری، استحکام زندگی عشایری

محمدرضا قدوسی که یکی از داوران مسابقه ملی «طراحی کتابخانه عشایری» است، برگزاری این مسابقه ملی را کمک به استحکام زیرساخت‌های زندگی عشایری می‌داند
فراخوان شرکت در مسابقه ملی طراحی کتابخانه عشایری، به منظور ارائه طراحی کتابخانه‌ای قابل حمل، به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با مشارکت فلب آب ایران، منتشر شده و در حال برگزاری است. روابط‌عمومی نهاد درباره این مسابقه با یکی از داوران آن گفت‌وگو کرده و به نقل از محمدرضا قدوسی خبر داده: «از دوران پهلوی اول در جهت تقویت دولتی مرکزی و مدرن، قبایل و عشایر به سمت یکجانشینی سوق داده شدند تا در نظم دولت-ملت توسط حکومت مرکزی کنترل شوند. از آن زمان تاکنون با وجود این‌که آنان در دفاع از مرزها و تولید محصولات دامی نقش داشته‌اند، این پارادایم تغییر محسوس نشده است، به طوری‌که جمعیت کوچ‌نشین ایران آن به کمتر از ۳۰ هزار نفر رسیده است و در برنام‌ها،

لوايح و مصوبه‌ها، چشم‌اندازی روزآمد برای آینده آنان ترسیم نمی‌شود.»

این طراح حرفه‌ای و کارشناس ارشد معماری با اشاره به لزوم همگام شدن با تغییرات تکنولوژیکی و استفاده از فناوری‌های روز برای ارائه امکانات فرهنگی و رفاهی به جامعه عشایری گفت: «جابه‌جایی در عصر حاضر، ابعاد مختلفی یافته و امکانات و دستاوردهای علمی و ارتباطی عرصه‌های قابل پیمایشی را در دسترس قرار داده است، به طوری‌که سبک زندگی و اجتماع عشایری نیز مورد توجه مجدد قرار گرفته‌اند. اگر منابع علمی مناسب در قالب مراکزی مانند کتابخانه‌ها در اختیار عشایر قرار گیرد، آنها خواهند توانست به صورت مستقل نیازها و زیرساخت‌های خود را شناخته و برای آن پیشنهادهایی ارائه کنند. طراحی چنین مراکزی می‌تواند تعاملات علمی و شناختی اجتماع منحصربه‌فرد ایلات فلات ایران را افزون کند.» قدوسی از فعالان حوزه طراحی معماری، طراحی صنعتی، فعالان فرهنگی و همه علاقه‌مندان



و دغدغه‌مندان این حوزه به شرکت در مسابقه ملی طراحی کتابخانه عشایری دعوت کرد تا امکان دستیابی به طرحی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی جوامع عشایری کشور، فراهم شود. **ا**